

روزنامه یا الواح "قانون"

مسعود کوهستانی نژاد*

در مقاله‌ای که در پیش روی است ویژگی‌های "روزنامه‌نگاری" در "قانون" ملکم خان مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤال اصلی این مقاله پیرامون نامگذاری و طبقه‌بندی "قانون" در میان اشکال مختلف نشریات و مطبوعه‌ها است. آیا همانند آنچه که تاکنون گفته شده، "قانون" یک روزنامه بود؟ و یا خیر. در پاسخ به این سؤال ابعاد مختلف "قانون" مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصله آن در پیش روی می‌باشد.

ملکم فرزند میرزا یعقوب در سال ۱۲۴۹ قمری (۱۳۱۱ ش / ۱۸۳۲) در ناحیه ارمنی نشین جلفای اصفهان به دنیا آمد. پدرش میرزا یعقوب به دلیل مسافرت‌ها و مشاغلش یکی از آشنایان به دنیای جدید محسوب می‌شد که دین مسیحیت را ترک گفته و به اسلام گرویده بود. ملکم از خردسالی به فرانسه فرستاده شد. او دوره‌های ابتدایی و متوسطه را

* نویسنده و پژوهشگر مطبوعات

در یکی از مدارس مربوط به آرامنه گذراند و سپس وارد مدرسه عالی پلی تکنیک شد. ملکم خان در ایام مقارن با برکناری امیر کبیر از صدارت، به ایران بازگشته و بلافاصله در مدرسه نوبنیاد دارالفنون به عنوان مترجم و معلم مشغول به کار شد. در سال‌های بعد دامنه فعالیت‌های او گسترده‌تر شد.^۱ از همان زمان، نگرش رسالتی با موضوع اصلاحات در ایران را آغاز کرد.^۲ با ورود به فعالیت‌های ماسونری و فراموشخانه که توسط پدرش میرزا یعقوب در ایران سازماندهی شده بود،^۳ زمینه جدیدی برای فعالیت ملکم در میان شاهزادگان، متفذین و شاگردان دارالفنون به وجود آمد.^۴ نخستین دوره فعالیت فراماسونری در ایران با صدور اعلانی از سوی دولت در منع فعالیت فراموشخانه (ربیع الثانی ۱۲۷۸ قمری) به پایان رسید^۵ و مدتی پس از آن ملکم خان "جامعه آدمیت" را که جانشین فراموشخانه بود، بنیان گذارد^۶ و تا واپسین سال‌های زندگانی در راه گسترش آن تلاش کرد.^۷

فعالیت‌های ملکم خان در طی سال‌های طولانی خدمت در دستگاه دولت ایران، دچار فراز و نشیب‌هایی شد. در سال ۱۲۸۰ قمری از کلیه مشاغل خود خلع شده و به عثمانی تبعید شد، در ایام تبعید فرصت مناسب دیگری برای آشنایی با افکار جدید و اندیشمندی هم‌چون آخوندزاده یافت.^۸ در سال‌های پایانی دهه ۱۲۸۰ قمری ملکم خان بار دیگر به خدمات دولتی فراخوانده شد^۹ و طی چند سال سریعاً پیشرفت کرد به نحوی که پس از شرکت در کنگره وین، لقب ناظم‌الدوله دریافت کرد و مقامش در سفارت ایران در لندن به "سفارت کبری" ارتقاء یافت.^{۱۰} در این مقام بود که در سال ۱۳۰۶ قمری و در هنگام سفر سوم ناصرالدین شاه به فرنگ، در انگلستان وساطت دریافت امتیاز لاتاری به یکی از اعضاء محلی سفارت (و عملاً برای خود) را کرد.^{۱۱} او این بار نیز نظیر آنچه که در مورد امتیاز رویتر اتفاق افتاده بود،^{۱۲} سرنوشتی بهتر نیافت، مخالفت امین السلطان، صدر اعظم وقت، با ملکم، عواقب ناگواری پیدا کرد. پس از بازگشت شاه به ایران، در دوم ربیع‌الثانی ۱۳۰۷ قمری ملکم خان از سفارت ایران در لندن عزل شد^{۱۳} و تنها نه روز وقت لازم بود تا با صدور فتاوی از سوی علماء در حرمت لاتاری،^{۱۴} در ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۰۷ قمری دولت ایران با ارسال تلگرافی لغو امتیاز لاتاری را به سفارت ایران در لندن اعلام کند.^{۱۵} این اقدام سرآغاز اختلاف و نزاع بین ملکم خان ناظم‌الدوله که بعداً از کلیه القاب خود

نیز خلع شد^{۱۶} با شخص امین‌السلطان (و سپس دیگر وزرا و حتی شاه) شد.^{۱۷} مقدمات انتشار "قانون" از این زمان فراهم شده و سرگذشت آن تا مرگ ناصرالدین شاه و خلع امین‌السلطان از صدارت و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه ادامه یافت. بعدها در نخستین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ و در هنگام حضور وی در پاریس (در سال ۱۳۱۸ قمری) ملکم خان بخشیده شد و کلیه القاب خود را به دست آورده^{۱۸} و به سفارت ایران در ایتالیا منصوب شد. ملکم زنده ماند و پیروزی انقلاب مشروطیت را دید^{۱۹} و طنز تاریخ این است که علیرغم شروع دوستی‌اش با امین‌السلطان، مرگ او را هم دید و در نهایت در سال ۱۳۲۶ قمری،^{۲۰} در سن ۷۷ سالگی در سوئیس درگذشت.^{۲۱}

از ملکم خان آثار متعددی در عرصه‌های مختلف فرهنگی به جای ماند.^{۲۲} آثاری که او را به یکی از شاخص‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران تبدیل کرد. از جمله آن‌ها می‌توان به "قانون" اشاره کرد که در نوشتار حاضر به بررسی آن خواهیم پرداخت. سؤال اساسی این بررسی، پیرامون شکل و ماهیت "قانون" است.

"قانون" در نگاه ملکم خان

به تعبیر دیگر سؤال این است که "قانون" را چه باید نامید؟ روزنامه، نشریه، الواح، اوراق و ... تقریباً تمامی پژوهشگران و محققین آثار ملکم خان و نیز پژوهشگران و مورخان تاریخ مطبوعات بالاتفاق "قانون" را روزنامه خوانده و در کتب و مقالات و رسالات متعددی که در بررسی "قانون" نگارش و تدوین یافته، از آن با عنوان "روزنامه قانون" یاد می‌شود. در این نوشتار و بررسی حاضر، سؤال پیرامون همین نکته‌ای است که در نوشته‌ها و آثار فوق به عنوان یک موضوع بدیهی از آن یاد می‌شود؛ "قانون" چیست؟ در جستجوی یافتن پاسخ به سؤال فوق، مهمترین فردی که می‌تواند نقش اساسی در مشخص شدن وضعیت "قانون" نماید، کسی جز ملکم خان، مدیر، نویسنده و همه‌کاره "قانون" نیست. ملکم از "قانون" با چه عنوانی یاد می‌کرد؟ تلقی او از "قانون" چه بود؟ ملکم خان یک ماه قبل از انتشار "قانون" طی نامه‌ای به وزارت خارجه ایران نوشت: "در این عصر ما از برای پیشرفت امور دولت شخصی، اسلحه بزرگ دنیا روزنامه نویسی است و اگر در ایران سه نفر باشند که بتوانند نزدیک این اسلحه بروند، یکی از

آن سه نفر، بنده هشتم.^{۲۳}

ملکم به اهمیت روزنامه و اقبال مردم نسبت به آن پی برده بود و بدین جهت قانون را "روزنامه آزاد" خواند و شعار آن را "اتفاق، عدالت، ترقی" و "منادی احیای ایران" اعلام کرد.^{۲۴} و در نخستین شماره‌اش نوشت:

"جمع کثیر از خلق ایران به چندین سبب خود را از وطن مائلوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده‌اند. در میان مهاجرین متفرقه، آن اشخاص با شعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق می‌کنند، سال‌ها در این فکر بودند که آیا به چه تدبیری می‌توان به آن بیچارگانی که در ایران گرفتار مانده‌اند، جزئی امدادی برسانند. پس از تفحص و تفکر زیاد بر این عقیده متفق شدند که به جهت نجات و ترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامه آزاد هیچ اسباب نمی‌توان تصور کرد.

آن چند نفر اشخاص وطن پرست که معنی و قدرت روزنامه‌جات را درست فهمیده‌اند، در این چهار پنج سال به یک عزم مردانه افتادند به اطراف دنیا و به هر وسیله چه به اصرار چه به التماس و چه به گدائی از دولت‌خواهان ایران و ارباب کرم و طالبان ترقی اعانت‌های وافر جمع نمودند و به عون الهی این روزها یک کمپانی معتبری ترتیب دادند به این عزم مبارک که از اطراف ایران به قدری که بتواند روزنامه‌جات و کتابچه‌های مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است.^{۲۵}

در شماره دوم، ملکم خان بار دیگر از ترکیب "جریده قانون" استفاده می‌کند.^{۲۶} او در شماره سوم مطالب مهمی را در مورد اهمیت روزنامه و نقش آن در تحولات، چاپ می‌کند.^{۲۷} چنین روندی در شماره بعد "قانون" نیز ادامه یافته و در آن‌جا مقاله مفصلی در اهمیت روزنامه‌نگاری وجود دارد که در قسمت‌هایی از آن می‌خوانیم:

"از برای تعدیل حرکات وزراء علاوه بر مجالس معتبر که در سایر دول ترتیب داده‌اند این اوقات در دنیا یک اسباب تازه ظهور کرده که تاثیر آن عالم گیر و اسم آن روزنامه است. روزنامه سرچشمه تنظیمات دنیاست. بدون روزنامه محال است که در ایران یک وزیر قابل ظهور بکند. بدون روزنامه هیچ حق و هیچ فضیلتی نیست که از شر جهان مقتدر محفوظ بماند. روزنامه که بخواهد یک ملتی را به حرکت بیاورد باید خارج از اختیار وزراء، صاحب کلام آزاد و قادر [به] نعره‌های بلند باشد."^{۲۸}



• میرزا ملکھ خان ناظم الدولہ

اما چنین روایی تنها همان شماره هفتم ادامه یافت و پس از آن وضعیت دگرگون شد. در شماره هفتم ملکم از اهمیت خواندن "روزنامه قانون" و نیز "جراید قانون" یاد می‌کند^{۲۹} و حتی در پاسخ به این سؤال که "جریده قانون را چرا در خارج انتشار می‌دهند،" پاسخ می‌دهد: "به جهت این که حرف حق در خاک ایران ممنوع است."^{۳۰}

ولی در شماره هشتم ملکم خان در موارد متعددی از ترکیب "اوراق قانون" استفاده کرده و می‌نویسد: "هر کس یک نسخه از این اوراق قانون در تصرف خود داشته باشد باید او را آدم دانست، مگر این که برخلاف آدمیت، از او حرکتی ظاهر بشود. به این جهت باید مواظب شد که جانوران مکروه به هیچ وجه نزدیک این اوراق نیابند."^{۳۱}

پس از آن ملکم دیگر از عبارت "روزنامه قانون" استفاده نکرده و از ... "قانون" با استفاده از کلمات دیگر یاد کرد. در این میان شماره یازدهم قانون جایگاه ویژه‌ای دارد. او در مقاله‌ای در آن شماره نوشت: "عقاید ما چیست؟ عقاید ما همان است که در هر صفحه قانون مثل آفتاب روشن ساخته‌ایم. قانون را در کجا چاپ می‌کنند؟ هیچ کس نمی‌داند. مصنف قانون کیست؟ احدی خبر ندارد."^{۳۲}

به راستی در فاصله بین انتشار شماره هفتم قانون تا انتشار شماره یازدهم آن چه اتفاق افتاد که ملکم خان دیگر از قانون با عنوان "روزنامه" یاد نکرد؟^{۳۳} برای دادن پاسخ به این سؤال، باید کمی به عقب بازگشت.

در صفحه آخر شماره اول "قانون" محل چاپ، حق چاپ و انتشار قانون به زبان انگلیسی درج شده است.^{۳۴} تا شماره ششم وضعیت به همین ترتیب ادامه یافت. در شماره‌های هفتم و هشتم قانون لوگوها و عبارات داخل آن‌ها در صفحه اول (فارسی) و صفحه آخر (انگلیسی) کمی به هم می‌ریزد و بالاخره از شماره نهم به بعد کادر صفحه آخر به شکل معمولی بوده و هیچ‌گونه عبارتی به زبان انگلیسی مبنی بر اعلام مشخصات "قانون" در آن وجود ندارد.^{۳۵} از سویی دیگر نخستین گزارش از برخورد خشم‌آلود ناصرالدین شاه با "قانون" و ملکم خان به مارس ۱۸۹۱ (رجب ۱۳۰۸ ق) بازمی‌گردد.^{۳۶} در آن زمان متعاقب اخراج سید جمال‌الدین اسدآبادی از ایران، شاه به "قانون" و مندرجات آن پرداخت و در جلسه‌ای با حضور صدر اعظم و دیگر وزراء، دستورات شدیدی علیه ملکم خان و "قانون" صادر کرد.^{۳۷} در این رابطه ادعا شده به پیشنهاد امین الدوله^{۳۸}

ناصرالدین شاه از کندی وزیر مختار بریتانیا در تهران درخواست کرد در مورد جلوگیری از انتشار قانون در لندن اقدام نماید. کندی در ۱۰ مارس ۱۸۹۱ طی نامه‌ای به لندن گزارش داد: "شاه که ملکم ایشان را به خشم و هراس شدیدی افکنده صریحاً تقاضا دارند که اقداماتی برای اخراج ملکم از لندن و توقیف روزنامه او به عمل آید."^{۳۹}

البته اقدامات شاه برای مقابله با ملکم خان و "قانون" از طریق توسل به مقامات انگلیسی قبل از آن هم وجود داشت.^{۴۰} لیکن در مارس ۱۸۹۱ موضوع به شکلی کاملاً جدی از سوی شاه مطرح شد. به نظر می‌رسد علت اصلی خشم شاه، پاسخ تند و صریح ملکم خان به مندرجات روزنامه‌های: ایران و اطلاع (در تهران) و انعکاس آن‌ها در تایمز (لندن) علیه خودش و "قانون"، بوده باشد.^{۴۱}

اگر زمان شروع اقدامات شدید شاه علیه "قانون" و ملکم را ماه مارس ۱۸۹۱ قرار دهیم، تا آن زمان شماره‌های هفت و هشت قانون (که تاریخ ندارند) نیز چاپ شده بودند. با توجه به این موضوع می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که به دنبال طرح درخواست جدی و شدیدالحن ناصرالدین شاه از وزیر مختار انگلیس درخصوص توقیف "قانون"، آن دولت مجوز چاپ "قانون" در لندن را باطل کرد و بدین ترتیب شخصیت حقوقی روزنامه‌ای "قانون" از آن سلب شد. به همین دلیل از شماره ۹ "قانون" به بعد، دیگر عبارت انگلیسی در لوگو صفحه چهارم "قانون" وجود ندارد.

با توجه به مطالب فوق و فارغ از این که آیا می‌توان قانون را عملاً یک "روزنامه" نامید یا خیر، مطمئناً پیدایش و آغاز به کار آن همراه با یک شخصیت حقوقی بوده است و با از بین رفتن آن شخصیت، ملکم خان آشنا با سیاست، به خوبی فهمید که دیگر حتی به حساب شخصیت حقوقی نیز نمی‌تواند "قانون" را روزنامه بخواند. احتمالاً انعکاس این واقعه در نزد ملکم و آزرده‌گی او را می‌توان در خلال نوشته‌ای در شماره ۲۰ "قانون" جستجو کرد، آن‌گاه که در اوج وقایع قیام تنباکو در ایران، او نوشت: "چرا سابقاً انگلیسی‌ها محبوب خلق ایران بودند و حالا این‌طور محل نفرت ایران شده‌اند؟ سابقاً مأمورین انگلیسی حامی مظلومین و مخالف تعدیات دیوان بودند، در این اواخر بعضی از مأمورین آن دولت خیر خلق ایران را گذاشتند و به واسطه تعلقات مشرقی، سفاهت و شرارت روسای ما را اسباب منافع شخصی و موجب تغییر افکار عامه ساختند."^{۴۲}

بدین ترتیب در شماره دهم "قانون" اعلامیه‌ای در مورد تغییر محل دفتر آن در لندن و درخواست از خوانندگان درخصوص ارسال مطالب‌شان به نمایندگان "قانون" در شهرهای بغداد، بمبئی و عشق‌آباد، چاپ شد.

"به عموم دوستان قانون اعلام می‌شود دفترخانه قانون در لندن از آن محل و از آن نمره که سابقاً بود، تغییر یافت. مرکز مراودات به ایران نزدیک‌تر شده بعد از این جمیع مطالب خود را به بغداد یا به بمبئی یا به عشق‌آباد پیش یکی از مخبران قانون بفرستید."^{۴۳}

در مندرجات اعلان فوق، محل جدید دفتر قانون مبهم است. این ابهام نه به دلیل حيله و حقه‌بازی ملکم خان جهت بازار گرمی کردن برای قانون بود،^{۴۴} بلکه نشان می‌دهد "قانون" دفتری در لندن ندارد و به عبارت دیگر شخصیت حقوقی آن در انگلستان و شهر لندن سلب شده و دولت ایران نمی‌تواند از این بابت اعتراضی به دولت انگلستان نماید. اعتراضی که در چارچوب عرف روابط بین‌المللی و روابط دیپلماتیک بین دو دولت کاملاً وارد و به جا بود. بدین ترتیب یک شماره بعد از چاپ اعلان فوق، در شماره یازدهم قانون، ملکم خان در رثای محل دفتر و مکان چاپ آن نوشت: قانون را کجا چاپ می‌کنند: هیچ‌کس نمی‌داند.^{۴۵} مصنف قانون کیست، احدی خبر ندارد. خطوط قانون را هر کاتبی که نوشته باشد، حروف آن را هر فعله که چیده باشد جمیع آن معانی الهامات روح آدمیت است که از قلب و از مغز ایران ظهور می‌کند.^{۴۶}

دو شماره بعد در شماره ۱۳، ملکم خان از نامیدن قانون به عنوان "روزنامه" دوری گزیده و به جای آن از کلمات الواح قانون استفاده کرده و نوشت:

"خواهران قانون از همه جا اصرار می‌کنند که باقی نمره‌های این اوراق علی‌الدوام فرستاده شود. از این انتظار ایشان معلوم می‌شود که معنی قوانین ما را درک نکرده‌اند. این الواح قوانین، روزنامه نیستند که هر روز یک تازگی داشته باشند. جمیع این الواح عبارت است از یک کتاب و مقصود از این کتاب فقط بیان و تلقین اصول آدمیت است. اصول آدمیت و اساس اتفاق و شرایط ترویج و راه ترقی و مشوق معرفت همان است که در این دوازده الواح سابق بر ارباب بصیرت متکشف شد."^{۴۷}

چند شماره بعد، در شماره بیستم، ملکم پاسخ منتقدین بر کاتبین الواح قوانین را چنین می‌دهد: "چرا کاتبین الواح قوانین مطالب را این‌طوری ساخته می‌نویسند؟

به جهت این که مقصود نه لفاظی است و نه پرستش ظلم. فضلالی زبان بسته در مدح ظالمان زیاد هنرها به کار برده‌اند.^{۴۸}

و بالاخره پس از مرگ ناصرالدین شاه و بر کناری امین‌السلطان از صدارت عظمی، ملکم در یکی از شماره‌های قانون، از آن با عنوان **اوراق قانون** یاد کرده و خود را به ادامه انتشار آن امیدوار می‌نمایاند: **”علی العجالة یک تأسف ما این است که عرایض کتبی ما به درستی به خاک پای همایون نمی‌رسند. لهذا به جهت بیان دردهای عامه و کشف دواهای لازمه، نشر اوراق قانون را باز اسلم وسایل قرار خواهیم داد.“**^{۴۹}

در مجموع اگر نوشته‌های ملکم خان در نخستین شماره‌های **”قانون“** را گزافه‌گویی و خیالات و اوهام او قلمداد نکنیم - که البته جای چنین گمانی را باید باز نگه داشت - او خواهان چاپ و انتشار یک روزنامه به معنای واقعی آن، نظیر آنچه که در آن هنگام در اغلب نقاط دنیا وجود داشت، بود. از این نظر او تنها توانست شخصیت حقوقی قانون را به مثابه یک **”روزنامه“** در انگلستان معرفی کند، ولی همین شخصیت نیز در مواجهه با چالش مندرجات قانون با اصول حاکم بر روابط دیپلماتیک بین دولتین ایران و انگلستان قرار گرفته و از بین رفت. بدین لحاظ از شماره نهم **”قانون“** به بعد، حتی شخص ملکم خان نیز از **”قانون“** به عنوان یک روزنامه یاد نمی‌کند.

اهداف **”قانون“**

پس از بررسی نظر ملکم خان در مورد هویت **”قانون“**، مناسب است مروری بر هدف ملکم خان از انتشار **”قانون“** داشته باشیم. هدف او چه بود؟ انتشار یک روزنامه با اهداف متعارف اطلاع‌رسانی در آن زمان بود؟ و یا ایجاد یک وسیله برای انتقام از شخص امین‌السلطان و دولت ایران؟ در این موضوع که اگر امین‌السلطان، ملکم خان را از سفارت انگلیس برکنار نمی‌ساخت و سپس امتیاز لاتاری را لغو نمی‌کرد، **”قانون“** هیچ‌گاه به وجود نمی‌آمد، میان محققین و پژوهشگران اتفاق نظر قاطع وجود دارد.^{۵۰} بدین ترتیب انگیزه اولیه ملکم در انتشار قانون را می‌باید کینه‌جویی او از شخص امین‌السلطان قلمداد کرد.

ملکم در نامه ۹ ژوئن ۱۸۹۰ به امین‌السلطان (ذی‌قعدة ۱۳۰۷ ق) می‌نویسد: **”من هم در عالم مایوسی حضرت جرجیس و پاپ و عمر را جمع می‌کنم و به تأیید ایشان این قدر**

سعی و تدبیر و افساد و جسارت و دیوانگی می‌کنم که سرکار ایران مدار چرچیل صاحب، جمیع مناصب شما را هم در آن واحد بگیرد.^{۵۱}

و در جهت "سعی و تدبیر و افساد و جسارت و دیوانگی" بود که در قانون نوک حمله را به سوی امین‌السلطان نشانه می‌رود و در این راه به حدی پیش می‌رود که حتی بسیاری از موضوعات دیگر را نیز در حاشیه قرار می‌دهد. او که تا قبل از انتشار "قانون" با تألیف رسالات متعددی تلاش کرده بود اندیشه‌های اصلاح طلبانه‌ای را در ایران مطرح نماید، در "قانون"، اندیشه‌های اصلاح طلبانه او در حاشیه نیات کینه‌جویانه‌اش قرار گرفته بودند.^{۵۲}

ولی "قانون" علاوه بر انعکاس کینه‌جویی‌ها، دربرگیرنده نکاتی از اندیشه‌های ملکم خان در زمینه مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در آن روزگار است. در نتیجه یکی از اهداف دیگر ملکم خان از انتشار "قانون" طرح مسائل و موضوعات مهم در عرصه اندیشه‌های سیاسی است.^{۵۳}

با توجه به محتوای "قانون" هدف سومی نیز می‌توان برای انتشار آن تصور کرد. حداقل نیمی از صفحات "قانون" به طرح مسائل و موضوعات، نامه‌ها، رهنمودها و پیام‌هایی اختصاص دارد که به ادعای ملکم خان بین "آدمیان" که همان اعضای لژ ماسونری جامع آدمیت بودند، با "قانون" مبادله شده است. بسیاری از محققین بر این باورند که مندرجات "قانون" به طور کلی و به ویژه آن بخش که به محفل ماسونری جامع آدمیت ارتباط دارد نتیجه گزافه‌گویی، اغراق و خیالات ملکم خان است، لیکن به هر حال با توجه به خاطرات و اسناد^{۵۴} می‌توان به صحت بخشی از آن مکاتبات قائل شد در این صورت هدف سوم ملکم خان در انتشار "قانون" حفظ ارتباطات با محافل ماسونری در ایران و ارائه رهنمودهای لازم به آنان بوده است.

ملکم خان از هیچ وسیله‌ای برای دست‌یابی به اهداف فوق، نمی‌گذشت در درجه نخست اخلاق فدا می‌شد.^{۵۵} ملکم از همان شماره اول به دنبال توقیف "قانون" در ایران بود. بدیهی است در یک حالت متعارف هیچ روزنامه‌نگاری برای توقیف روزنامه‌اش را منتشر نمی‌کند ولی ملکم خان در شماره اول "قانون" نوشت "اما دیگر بهتر در ایران آن روزنامه که قدغن نشود هیچ معنی نخواهد داشت هر چه بیشتر نشده بکنند نظم مطلب

زیادتر و خلق ایران در تحصیل و انتشار چنان تذکره نجات حریص تر خواهند شد.^{۵۶} ملکم به خوبی می دانست که توقیف "قانون" شهرت آن را بیشتر می کند. نکته ای که مورد توجه امین الدوله نیز قرار گرفته و در خاطراتش متذکر می شود حذف که شهرت روزنامه قانون را منع دولتی بیشتر کرد و حرص مردم به دیدن و داشتن آن، از امتناع دیوانیان بیشتر می شد.^{۵۷}

ولی نتیجه کار چه بود؟ صرف نظر از نگرش های مرسوم در مورد "قانون" که عمدتاً در چارچوب اندیشه های سیاسی شکل گرفته است، در مورد اهداف ملکم خان از انتشار قانون، نظرات مختلفی ابراز شده است. حامد الگار "قانون" را نه یک روزنامه، بلکه نشریه تبلیغاتی محسوب می دارد.^{۵۸}

فریدون آدمیت "قانون" را دفتری در میان اوضاع و احوال ایران توصیف می کند.^{۵۹} قضاوت در مورد آن چه که "قانون" بوده است را به صفحات دیگر و پس از بررسی های دقیق تری پیرامون مندرجات آن موكول می کنیم. لیکن از نظر اهداف و انگیزه ها ملکم خان هر مقامی و جایگاهی که داشته باشد آن چه که مهم است فقدان انگیزه های متعارف و شناخته شده "روزنامه نگاری" نزد ملکم خان برای انتشار "قانون" به عنوان یک "روزنامه" و نه یک "نشریه" یا خبرنامه درونی یک محفل می شد. ملکم خان از نخستین شماره قانون در تعارض بین شخصیت حقوقی یک روزنامه (که او عبارت انگلیسی آن را در صفحات آخر شماره اول تا هشتم قانون درج کرده بود) با شخصیت واقعی یک روزنامه قرار گرفت.

شخصیت واقعی که نخستین جلوه آن "اطلاع رسانی" است و در آن زمان نیز کمابیش کاراکتر و هویت یک روزنامه براساس چنین ویژگی شکل می گرفت. به نحوی ریاکارانه هنگامی که او در تعارض بین مهم ترین هدفش که کوییدن و لجن مال کردن شخصیت امین السلطان و زیر و زبر کردن ترقیات ایران عصر ناصری بود، با شخصیت یک روزنامه نگار قرار می گیرد، می نویسد "ما که این جریده قانون را وکیل حقوق ابنای وطن خود قرار داده ایم لازم می دانم مکرر اعلام نمائیم که ما به حرکات و اطوار اشخاص هیچ کار نداریم. فلان وزیر در خانه خود چه می کند و چه می گوید هیچ دخلی به ما ندارد. اما آن حرفها و آن حرکات که بر مسند وزارت و در مناصب دولت بروز می کند. چنین آثار و

نتایج آن‌ها همه راجع به ما یعنی به عامه خلق ایران می‌شود تحلیق چنان حرکات رسمی از جمله فرایض مأموریت ما خواهد بود.^{۶۰}

ولی ملکم خان حتی به اندازه یک صفحه از قانون هم نتوانست به وعده فوق عمل کند و محور اصلی "قانون" بر مدار حمله به امین‌السلطان، سقاحات، رجال و دولت ایران (و به طور غیرمستقیم شاه) قرار گرفت و در کنار آن موضوع‌های کلی، اندیشه‌شناسی و ارتباطات درونی محفلی و دیگر محورهای موضوعی قانون را تشکیل می‌دادند.

دستاورد "قانون"

در چارچوب چنین اهدافی ملکم خان اقدام به انتشار "قانون" کرد. ما حاصل تلاش او چاپ و انتشار حداقل ۴۱ یا ۴۲ شماره از قانون می‌باشد. نخستین شماره در اول رجب ۱۳۰۷ قمری (سوم اسفند ۱۲۶۸ ش / ۲۰ فوریه ۱۸۹۰) در هشت صفحه و در قطع ۲۱×۳۴ سانتی‌متری چاپ شد. شماره‌های دیگر "قانون" در همان قطع ولی در چهار صفحه منتشر شدند. در بالای صفحه اول لوگو وجود دارد که در آن کلمه قانون به صورت درشت و سه کلمه ذیل آن: "اتفاق، عدالت، ترقی" وجود دارند. در یک سوی آن شماره (تحت عنوان نمره) و تاریخ و در سوی دیگر قیمت اشتراک درج شده است. در بین آن دو عبارت: "محل صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمره ۳۸ در لندن" چاپ شده است. در شماره‌های بعدی (به استثنای شماره ۱۲ که به نظر می‌رسد در مجموعه مورد رجوع نگارنده^{۶۱} از نمونه تجدید چاپی آن در پس از انقلاب مشروطه استفاده شده است). کلمه قانون و سه حرف زیرین آن، به علاوه شماره (نمره) و قیمت اشتراک ثابت مانده و بقیه توضیحات، به تدریج حذف می‌شوند. عبارات میزان اشتراک از "یک لیره" در شماره‌های اولیه به "فهم کافی" از شماره ۱۰ به بعد، به "شرط آدمیت" از شماره ۲۰ به بعد، به "فهم کافی" در شماره ۲۳، به "شرط آدمیت" در شماره ۲۴، به "یک تومان" در شماره ۲۵ به بعد، به "یک ذره شعور" در شماره‌های ۳۴ و ۳۵، به "زحمت ابلاغ این نسخه به یک آدم دیگر" در شماره‌های ۳۶ به بعد، تغییر می‌کند.

در صفحه آخر شماره‌های اول تا هشتم، یک لوگو به خط انگلیسی همراه با توضیحاتی پیرامون مشخصات قانون وجود دارد که از شماره نهم به بعد تمامی آن‌ها حذف شده و



روزنامه یا الواح " قانون "

• تصاویری از نویسندگان و اندیشمندان گسترش طرح و تئوری اندیشه‌های مشروطه‌گری و تاریخ‌نگاری مطبوعاتی از همفکران، همکاران و دوستان میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و روزنامه قانون

صفحه به فرم صفحات داخلی (۲ و ۳) تبدیل می‌شود.

در مورد شماره ۱۲ موجود در مجموعه مورد رجوع نگارنده، با توجه به وجود عبارت "کپی است" و وجود نقاشی‌ها و علائم ماسونی^{۳۳} و نیز توضیحات مفصلی در آن، به نظر می‌رسد شماره ۱۲ مذکور یکی از شماره‌های قانون باشد که بعدها (احتمالاً در سال ۱۳۲۵ قمری) تجدید چاپ شده و در هنگام این عمل، لوگو به آن شکل تغییر یافته است. صفحه‌آرایی "قانون" از ابتدا تا انتها یک سان است و فقط در شماره‌های ۳۴ تا ۳۸ اندکی تغییر کرده و سپس به حالت قبل باز می‌گردد.

شماره‌های ۳۹ تا ۴۱ "قانون" هم چون چند شماره دیگر، تماماً به بیان مجلس گفتگویی شاه با صدر اعظم و وزرایش اختصاص یافته است.

از شماره اول تا شماره ششم، "قانون" دارای تاریخ (از رجب تا ذی‌حجه ۱۳۰۷ قمری) است ولی از شماره هفتم به بعد تاریخ ندارد. فقدان تاریخ، سبب بروز مشکلاتی در تعیین زمان توقف انتشار "قانون" شده است. این مشکلات نخست در تعداد شماره‌های چاپ شده، خود را نمایان می‌سازد. آخرین شماره موجود در مجموعه مورد بررسی نگارنده، دارای نمره ۴۱ است. فریدون آدمیت آن‌ها را ۴۲ شماره برآورد کرده است.^{۳۴}

در شماره ۳۴ قانون به کشته شدن ناصرالدین شاه اشاره شده است.^{۳۵} با این وصف و با توجه به محتویات شماره‌های بعد،^{۳۶} احتمالاً آخرین شماره قانون در اوایل سال ۱۳۱۶ قمری منتشر شد.

از آن هنگام تاکنون "قانون" سه بار تجدید چاپ شد. نخستین بار در سال ۱۳۲۵ قمری بود. هنگامی که ربیع‌زاده با درج مهر فروش، اشتراک و ... بر برخی شماره‌های قانون، آن‌ها را به هیئت نسبتاً جدیدی درآورد.^{۳۷} به نظر می‌رسد اندکی بعد قانون برای دومین مرتبه در تبریز تجدید چاپ شد. این نمونه هم نظیر نمونه تهران، در صفحه‌آرایی و درج ویژگی‌های "قانون" با نسخه‌های اصلی آن تفاوت دارند،^{۳۸} و بالاخره سومین مجموعه نیز در سال ۱۳۵۵ توسط هما ناطق تجدید چاپ شد.

در مورد ویژگی‌های دیگر "قانون" از جمله چاپ اخبار، تحریریه، مقالات و منابع مالی آن، نکات جالبی وجود دارد.

ملکم خان در مقام معرفی مؤسسين "قانون" در شماره اول آن می‌نویسد:

“ما چند نفر که به سعادت، به بخت و به تقدیر الهی مؤسس این جریده قانون شده‌ایم بر ذمت دولت پرستی خود حتم کرده‌ایم که از روی علوم و سرمشق‌های دنیا به قدری که در قوه ما باشد، خلق ایران [را] یاد و نشان بدهیم که از برای اجرای قوانین چه نوع همت و چه قسم مساعی باید به کار ببرند.”^{۶۹}

پذیرش ادعای ملکم خان به سختی امکان‌پذیر است. از آن زمان تاکنون نام هیچ فردی به عنوان شریک ملکم خان در تأسیس “قانون” ذکر نشده است. حامد الگار شرکت انتشاراتی ادعایی ملکم را فقط در تصور او امکان‌پذیر می‌داند. در شماره‌های اول، سوم و ششم “قانون” اعلان استخدام منشی و مخبر چاپ شده است. در آن اعلان می‌خوانیم:

“کمپانی این جریده چند نفر منشی و مخبر قابل لازم دارد. چون تقویت این قبیل انطباعات در حق دولت و ملت از جمله خدمات شایسته خواهد بود یقین داریم که بسی از ارباب غیرت طالب معاونت این جریده خواهند شد. از برای هر منشی و هر مخبر از جانب کمپانی خیلی بیش از آنچه در ایران به منشی‌های دولت می‌دهند، مواجب و مرسوم معین شده است. مقدار مواجب و مرسوم، بسته به قوه تحریر و به اندازه فضل منشی خواهد بود. کسانی که طالب و مستعد این خدمت باشند، سن و حسب و نسب و شغل و احوال شخصی و معلومات و توقعات خود را به اداره این جریده بنویسند، تکالیف و تحریرات مستحسنه ایشان به منت قبول خواهد شد.”^{۷۰}

آیا می‌توان صرف چاپ اعلان مزبور را قرینه‌ای بر “روزنامه” بودن “قانون” گرفت؟ گفته می‌شود پیوستن میرزا آقاخان کرمانی به “قانون” در نتیجه چاپ اعلان فوق بوده است.^{۷۱} البته تاکنون غیر از آقاخان، فرد دیگر پیدا نشده که از این طریق به ملکم خان ملحق شده باشد. در رابطه با اعلان فوق باید گفت:

اولاً: چاپ یک اعلان استخدام مخبر و منشی به هیچ‌وجه به منزله وجود هیأت تحریریه، مخبرین، منشی و کلاً آن چارچوب عملیاتی که در مطبوعات مرسوم آن زمان (و تاکنون) وجود داشته، در “قانون” نیست. هیچ قرینه‌ای مبنی بر حضور مخبر (مستقل به معنای خبرنگار نه مخبر “آدمیان”) و یا منشی و یا اعضای تحریریه در “قانون” وجود ندارد.^{۷۲}

ثانیاً: اگر دقت کنیم "قانون" از شماره هفت به بعد فاقد تاریخ و از شماره ۹ به بعد فاقد دفتر و محل اداره و شخصیت حقوقی یک "روزنامه" بوده است؛ در چنین وضعیتی چگونه می‌توان برای دفتر، منشی و مخبر استخدام کرد؟

ثالثاً: در مورد نحوه پیوستن میرزا آقاخان کرمانی به قانون از طریق اعلان مزبور، جای حرف و حدیث بسیار است. البته او اخبار ولایات ایران و نیز مقالاتی را برای ملکم خان ارسال می‌کرد،^{۶۳} لیکن این فعالیت در شماره‌های ۹ به بعد است که شخص ملکم خان نیز در مورد آن‌ها، دیگر به "قانون" روزنامه نمی‌گفت، و از این گذشته فعالیت آقاخان کرمانی را به سختی می‌توان به عنوان یک فعالیت روزنامه‌نگاری قلمداد کرد.

اما مهمترین ویژگی یک "روزنامه" یا "مجله" خصلت اطلاع رسانی آن است. اهمیت این ویژگی به گونه‌ای است که فقدان آن، سبب دوری یک روزنامه از معیارهای حرفه‌ای آن می‌شود. صرف‌نظر از اعلان خبر ورود سید جمال‌الدین اسدآبادی به لندن،^{۶۴} در هیچ یک از شماره‌های قانون خبر یا اخباری از وضعیت ایران یا جهان چاپ نشده است. آن‌گاه که در "قانون" نوشته می‌شود: "مخبر ما از تهران می‌نویسد"،^{۶۵} به فوریت باید توجه کنیم که این یک مانور نمایشی از سوی ملکم خان است زیرا در ادامه عبارت فوق متوجه می‌شویم منظور یکی از "آدم‌ها" است که گزارشی از جامع آدمیت ارسال کرده است و مخبر نه خبرنگار، بلکه از اعضای جامع مذکور در نقاط مختلف ایران می‌باشد که شنیده‌ها و دیده‌های خود را، به عنوان یک عضو آدمیت، برای چاپ در ارگان "جامع آدمیت" ارسال کرده است. در شماره دهم "قانون" ملکم خان سخن از حامیان غیبی "قانون" می‌راند که برای او "تحریرات و تظلمات، ترغیبات و اطلاعات" می‌فرستند.^{۶۶}

احتمالاً منظور ملکم خان از اطلاعات و ... شنیده‌های او از مسافری، دانش‌آموزان و دانشجویان، و ... که از ایران به انگلستان سفر کرده و در نشست‌های صمیمی برای او نقل می‌کرده‌اند، است. اغلب تحریرات و مندرجات قانون نوشته شخص ملکم خان بوده و هدف او از چاپ یک سلسله مطالب تحت عنوان "مخبر ما" به راه انداختن جنگ روانی علیه حکومت ایران بود.^{۶۷}

به همین منوال می‌توان به نامه‌هایی که در "قانون" چاپ می‌شده‌اند نیز اشاره کرد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نامه‌های مزبور از سوی دوستان محفلی ملکم برای او ارسال

می‌شدند،^{۷۸} ولی در یک نگاه واقع بینانه و با توجه به شباهت نثر و محتوای اغلب قریب به اتفاق‌نامه با یکدیگر و نیز با مقالات چاپ شده در "قانون" این احتمال بسیار پررنگ و قریب به یقین می‌نماید که نامه‌ها به قلم خود ملکم^{۷۹} بوده و بیشتر به انگیزه نشان دادن "قانون" به عنوان یک روزنامه، به کار برده می‌شدند.^{۸۰} بدین ترتیب و در یک جمع‌بندی از مطالب گفته شده، مشخص است که "قانون"، از نخستین شماره تا شماره آخر، فاقد هر نوع ویژگی‌ای است که در روزنامه‌ها و مجلات و مطبوعات به طور متعارف وجود دارد.

اما جای دارد کمی بیشتر به مقالات چاپ شده در "قانون" بپردازیم. اندیشه‌های طرح شده در خلال مقالات، نامه‌های وارده و نیز مجالس گفتگویی که در "قانون" چاپ شده‌اند، شامل گستره وسیعی از موضوعات اساسی و مهم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی می‌شوند. قانون، نهادهای حکومتی، آزادی، مذهب و حتی مسائل زنان،^{۸۱} موضوعاتی هستند که به کرات در خلال صفحات "قانون" مورد توجه قرار می‌گیرند. در این میان چاپ مجالس گفتگو به سبک شبه تاتری در چند شماره "قانون" (از جمله شماره‌های ۳۹ تا ۴۱) از ویژگی‌های دیگر آن محسوب می‌شود.^{۸۲} البته باید به فوریت به ناهمگونی که در میان برخی مقالات و نامه‌های وارده که در "قانون" چاپ شده، اشاره کرد. ریشه این ناهمگونی را می‌باید در گوناگونی مشرب فکری افرادی که مقالاتشان در "قانون" چاپ می‌شد، جستجو کرد؛^{۸۳} کسانی هم چون سید جمال‌الدین اسدآبادی،^{۸۴} میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، علی محمدخان، مجیرالدوله و سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی^{۸۵} و امین‌الدوله.^{۸۶} البته در مورد نحوه همکاری افراد فوق‌الذکر با "قانون" بسیاری معتقدند نقش افراد یاد شده بیشتر مشاوره و همفکری بوده و سبک نگارش "قانون" نشان می‌دهد که در نهایت نوشته‌ها از قلم ملکم خان بوده است.^{۸۷}

سبک نوشتاری قانون سبک خاصی است که ماحصل آشنایی ملکم خان با زبان‌های زنده دنیا و تجربیات زیاد او در مشاغل مختلف است.^{۸۸} این سبک را ملک الشعراى بهار با عنوان "ملوک ملکم" نام‌گذاری کرده است.^{۸۹} ناصرالدین پروین در این خصوص می‌گوید: "نثر قانون با نثر متداول زمان خود بیگانگی دارد و به همان اندازه از زبان روزنامه دور و به اعلامیه از سویی و سخنان اهل منبر از سویی دیگر نزدیک است."^{۹۰}

علاوه بر آن باید توجه داشت که پس از حدود گذشت نیم قرن از روزنامه‌نگاری در ایران (از زمان انتشار کاغذ اخبار) به تدریج نثر مورد استفاده در روزنامه‌ها و جراید ایران رو به سوی رهایی از قیود سنت‌های ادبی می‌رفت. در این میان روزنامه اختر اسلامبول و نثر روان و سلیس آن بر نثر ملکم خان در قانون تأثیرگذار بود.

در مورد محتوای "قانون" می‌باید به نکته مهمی اشاره کنیم. با مروری بر صفحات "قانون" مشخص می‌شود که حداقل نیمی از کل حجم قانون به مسائل و موضوعات درون محفلی ماسونری ارتباط دارد. حتی آن قسمت از مقاله‌ها و یا نامه‌هایی که در رابطه با اوضاع ایران در "قانون" چاپ می‌شدند نیز اکثراً به نقل از اعضای محفل ماسونی می‌باشند، صرف‌نظر از این‌که به ادعای اغلب محققین، مقالات و نامه‌های مذکور به قلم خود ملکم خان هستند، از زاویه‌ای دیگر، چاپ چنین حجمی از مطالب درباره یک محفل در "قانون"، آن را به یک جزوه درون محفلی مخفی تبدیل کرد.

یکی از نکات جالب توجه در مورد "قانون"، شیوه توزیع آن در داخل و خارج از ایران است در مورد شیوه توزیع قانون در خارج از ایران می‌توان به تذکری که میرزا محمد طاهر مدیر روزنامه اختر در نامه خود به ملکم خان داده، اشاره کرد. او می‌نویسد: "هرگاه توزیع قانون را در اسلامبول به اینجانب واگذار نمایید ظاهراً بهتر است آن وقت به توی پاکت گذاشتن لازم است نه غیره. به طور عادی بسته به نام حقیر نوشته به پست بدهند، به دست غیر نمی‌رسد. به قرار قاعده‌ای که داریم در پست‌خانه انگلیسی‌ها نگه می‌دارند تا آدم خود حقیر رفته، بیاورد."^{۹۱}

در ایران نسخه‌های قانون به وسیله پست دریافت شده و میان افراد مورد اعتماد توزیع می‌شد. علاوه بر این تعدادی نیز لابه‌لای روزنامه‌های اروپایی و یا در بسته‌های کالای تجاری از راه کشورهای همسایه ایران به داخل رسید.^{۹۲}

روزنامه به اکثر ولایات می‌رسید و حتی برای شخصیت‌های دولتی از جمله امین‌الدوله و حتی وزیر انطباعات هم فرستاده می‌شد که هر دو مأمور توقیف آن روزنامه در پست‌خانه بودند.^{۹۳}

افراد مختلف و مهمی در توزیع "قانون" در ایران مشارکت داشتند که مهمترین آن‌ها را

می‌توان میرزا آقاخان کرمانی^{۹۴} و امین‌الدوله^{۹۵} قلمداد کرد.

امین‌الدوله که در آن زمان وزیر پست بود وظیفه حساس‌تری را به عهده داشت^{۹۶} و ملکم خان نیز از این موقعیت استفاده و افری برد.^{۹۷} در مجموع در مورد توزیع "قانون" در شماره ۱۴ آن، نوشته جالبی وجود دارد که مروری بر آن بی‌فایده نیست:

ای شاهزاده معظم:

ما تکلیف دادخواهی خود را به عمل می‌آوریم. در چه کار هستید. شما از برای نجات کشتی دولت می‌توانید هزار کار بکنید چرا این طور بیکار نشسته‌اید. شما حالا باید خوب ملتفت باشید که تا امروز بنای سلطنت در ایران بر حماقت خلق بوده و بعد از این حفظ سلطنت ممکن نخواهد بود مگر به عدالت و مگر به اصول آدمیت. و کیست که به جهت ترویج، آدمیت بیش از شما. و بهتر از شما مأموریت داشته باشد. پس معوض این که اصلح امور را فقط از همت دیگران منتظر باشید خودتان همتی بفرمائید و خود را پیشرو و حامی آدمیت قرار بدهید. در اجرای چنان مأموریت مقدس دیگر هیچ بهانه معطلی ندارید ارباب شعور همه مستعد و اصول ترویج در هر سینه غیرتمند ثبت است. از روی این اصول و با این هوش و کفایتی که دارید آدمیان اطراف را پیدا و به دایره خود جلب نمائید. از میان آن‌ها اصحاب کمال را امنای آدمیت نصب بکنید و به توسط ایشان به قدری که بتوانید جوامع تازه ترتیب بدهید. و هیچ تردید که اگر در این موقع، معظم علو، سرنوشت خود را درست درک نمائید بدون هیچ اشکالی می‌توانید به شراره کلام و سرمشق غیرت خود نور آدمیت را در این مملکت تا به اصلی درجه مقصود مشتعل و نام مبارک خود را تا انقراض عالم مایه انتظار آدمیان بسازید.^{۹۸}

ولی از رجب سال ۱۳۰۸ ق و متعاقب سخت‌گیری شدید ناصرالدین شاه و دستور صریح او، تعقیب عوامل توزیع "قانون" در ایران آغاز شد؛^{۹۹} افراد زیادی دستگیر شدند. امین‌الدوله که از پشتیبانی وزیر مختار انگلیس در تهران برخوردار بود. از توقیف نجات یافت.^{۱۰۰} حاج سیاح،^{۱۰۱} میرزا یوسف مستشار الدوله^{۱۰۲} و از جمله آن دستگیر شدگان و محبوسین بعدی، بودند.

برخی از محققین دستگیری و توقیف‌ها و محاکمه توزیع کنندگان "قانون" در ایران را به عنوان نخستین محاکمه مطبوعاتی در ایران به شمار می‌آورند. نگارنده این سطور

در کتاب "اسناد دادگاه‌ها و هیات‌های منصفه مطبوعاتی"^{۱۰۳} جریان توقیف و محاکمه فوق را جزء محاکمات مطبوعاتی قلمداد نکرد. و به دلیل این‌که "قانون" را یک روزنامه ندانسته آن را تحت یک چارچوب محاکمات سیاسی ارزیابی کردم. نظر اصلی در آن کتاب، هم‌چون مقاله حاضر، بر این است که "قانون" یک روزنامه و مجله به معنای واقعی کلمه نبوده و بدین لحاظ محاکمه عوامل توزیع کننده آن را هم نمی‌توان به عنوان یک محاکمه مطبوعاتی، محسوب داشت.

تأثیر مطبوعات بر ملکم خان و "قانون"

در مورد تأثیر مطبوعات بر ملکم خان و "قانون"، اظهارات و گفته‌های مختلفی وجود دارد. محیط طباطبایی که در کتاب خود، در موارد مکرری از ملکم خان و "قانون" حمایت‌های بی‌دریغی نموده و ملکم خان را یکی از چهره‌های قدیم روزنامه‌نگاری ایران بر شمرده که به هیچ‌وجه توجهی به محیط انتشار روزنامه نداشت، بلکه ناظر به اوضاع ایران و وصف عجایب آن بود.^{۱۰۴}

ولی حجت‌الله اصیل که در قسمتی از کتاب خود ویژگی‌های ژورنالیستی را بر "قانون" حاکم دانسته،^{۱۰۵} در جایی دیگر تذکر می‌دهد "ملکم روزنامه نگار نبود"^{۱۰۶} حامد الگار بدون ارائه مدرکی به نقل از کتابی دیگر ذکر نموده ملکم خان از میان سال‌های دهه ۱۸۸۰ (چند سال قبل از انتشار "قانون") انتشار روزنامه‌ای را بررسی کرده است.^{۱۰۷}

در ورای سخنان فوق، آن‌چه که واقع می‌نماید این است که با توجه به فعالیت‌های ملکم خان، ارتباطات او، سفرهای متعددش به اروپا، ملکم با مطبوعات و قدرت آن‌ها به اندازه کافی آشنا بوده است. هم‌چنین او با روزنامه‌های ایرانی (هم‌چون وقایع اتفاقیه و روزنامه ایران) و هم‌چنین روزنامه‌هایی که توسط ایرانیان در خارج از کشور منتشر می‌شدند نیز به خوبی آشنا بود.

در این میان اختر اسلامبول جایگاه ویژه‌ای دارد. بدون تردید یکی از منابع الهام‌بخش ملکم در شیوه نگارش "قانون" روزنامه گراسنگ اختر بود. ولی آیا دیگر روزنامه‌های ایرانی نیز بر ملکم خان تأثیر داشته‌اند؟ پاسخ به این سؤال منفی است. آن روزنامه‌ها نه تنها تأثیری بر ملکم و "قانون" نداشتند، بلکه ملکم خان در "قانون" روزنامه‌های ایرانی را مورد حملات زیادی قرار داد. در شماره چهارم قانون می‌نویسد "بدیهی است که مقصود

از روزنامه نه آن اوراقیست که به حکم وزرا مجلس مداحی ایشان چاپ می‌شوند. آن اوراقی که باید مجبوراً حرکات و قبایح اولیای دولت را تمجید بکنند آن‌ها عوض این‌که محرک عدالت باشند آلت تشویق سفاهت بزرگان و مایه مزید غفلت خلق می‌شوند.^{۱۰۸} چاپ دو مقاله در روزنامه‌های ایران و اطلاع^{۱۰۹} علیه ملکم خان و "قانون" و نیز مقاله دیگری در روزنامه تایمز لندن^{۱۱۰} واکنش شدیدی را از سوی ملکم خان به دنبال داشت. در نمره ۱۳ قانون او از روزنامه‌های ایرانی چنین یاد می‌کند: "اولیای دولت ما هر هفته در روزنامه خود قسم می‌خورند که این حرف‌ها بی‌معنی و بی‌لزوم است زیرا که الحمدالله در ایران هم قانون داریم هم امنیت"^{۱۱۱} چنین مضمونی در شماره‌های دیگر "قانون" نیز وجود دارد.^{۱۱۲}

برخلاف روزنامه‌های ایرانی، به نظر می‌رسد روزنامه‌ها و جراید گروه‌های تبعیدی مستقر در لندن، تأثیر مهمی بر ملکم خان داشته است. "حریت" که یک جریده ترکی زبان ارگان گروه‌های مخالف سلطان عثمانی در لندن (و سپس ژنو بود) تأثیر مهم بر محتوا و نحوه انتشار "قانون" داشت.^{۱۱۳}

تأثیر "قانون" بر مطبوعات

در مورد تأثیری که "قانون" بر مطبوعات ایران در سال‌های پس از انتشار آن باقی گذارد. مقاله نکات ذیل قابل توجه است:

اول: در مورد یکی از مهمترین ویژگی‌های "قانون" یعنی نشر آن می‌باید خاطر نشان ساخت پس از انتشار کاغذ اخبار و در سالیان بعد در روزنامه‌هایی هم چون وقایع اتفاقیه و ایران نثر روزنامه نگاری به تدریج تغییر کرده است و متکامل می‌شد و در نهایت در روزنامه اختر اسلامبول به یکی از قله‌های خود رسید این روند در مطبوعات دوره مظفری شتاب بیشتری به خود گرفت به نحوی که در آستانه انقلاب مشروطه، نثر روزنامه‌نگاری (شامل روزنامه‌های داخل و خارج ایران) به انسجام و سلاست شیوایی خاصی رسیده بود. این میراث برای جراید پس از پیروزی انقلاب مشروطه باقی ماند. پس از پیروزی انقلاب مشروطه، مشروطه طلبان که بسیاری از آن‌ها با رساله‌ها و نوشته‌ها و به ویژه "قانون" ملکم خان به خوبی آشنا بودند، تلاش‌هایی را برای برقراری تماس با او انجام دادند.

در مورد موضوع نوشتار حاضر، "قانون" سبک نگارش آن تأثیر زیادی بر نویسندگان برخی از جراید ایران در آن دوره باقی گذارد از آن جمله می‌توان به "صوراسرافیل"، "روح القدس"، "حبل المتین تهران" اشاره کرد. در یکی از شماره‌هایی جریده "روح القدس" در سال ۱۳۲۵ قمری، می‌خوانیم:

بشارت

به قلم خائنین دولت و دزدان مملکت اعلان بشارت داده می‌شود که هر یک از شماها زیادتر خیانت و دزدی کرده و بکنند به مقامات و درجات عالیه می‌رسد اطمینان کامل از (روح القدس) به شما داده می‌شود که هرگاه از وظیفه خودتان دست برنداشتید به زودی زود به منصب صدارت عظمی و وزارت داخله می‌رسید - چنانچه دیدید رئیس الخائنین میرزا علی اصغرخان هر قدر زیادتر خیانت دولت و ملت کرده بیشتر مقرب شد و درجه و عزتش زیادتر گردید اول کسی که به واسطه نماز شب این نکته را فهمید زیادتر در صدد خیانت دولت و دزدی مملکت برآمد آصف الدوله بود و در آن سفر حکومت خراسان زیادتر قابل به علو درجه و منزلت شد یکباره به خیال صدارت افتاد و آن نکته به خاطرش آمد آتش شوق وزارتش تعزیر شد.

در آگهی که به مناسبت تجدید چاپ "قانون" در اواسط ۱۳۲۵ قمری در یکی از شماره‌های هفته نامه "صوراسرافیل" چاپ شد عبارات جالبی در تعریف و تمجید از ملکم خان وجود دارد. "ایرانیان وطن خواه را بشارت باد که جریده قانون جناب پرنس ملکم خان (وزیر مختار حالیه دولت علیه ایران در دربار دولت بهینه ایتالیا) که از سال هزار و سیصد و هفت هجری تا چند سال در لندن ماهی یک نمره به طبع می‌رسید و برای بیماران و خستگان مرض جهل و بی‌خبری حکم نوش دارو دارد. و مرده‌های چند هزار ساله را از گورهای غفلت و نادانی برمی‌خیزاند و زنده جاوید می‌نماید مجدداً چاپ شد و تا شماره پنج در کتاب‌خانه تربیت (خیابان ناصری محاذی شمس العماره) تک نمره پنج شاهی و سالیانه دو تومان به فروش می‌رسد و قیمت آن نیز به مصارف خیریه ملت خواهد رسید.

هر کس این جریده را خوانده می‌داند که از صدر اسلام تا به حال به زبان فارسی هیچ‌کس بدین فصاحت و سلاست که صرف معنی و زبان وقت باشد قلم روی کاغذ

نگذاشته است“.

دوم: در عرصه اندیشه و محتوای مقالات، “قانون” تاثیر شگرفی بر مطبوعات پس از خود به جای گذارد. راه‌های متنوعی برای این تأثیرگذاری می‌توان متصور شد. مکاتبات ملکم خان با بسیاری از رجال فرهنگی هم دوره خود، از جمله مویدالاسلام مدیر حبل‌المتین حضور شمار بسیاری از “آدمیان” در جراید و مجلات دوره مظفری و مشروطیت، انتشار گسترده تفکرات و آراء و اندیشه‌های ملکم خان و نیز دیگر همراهان محفلی‌اش و بالاخره طرح بدیع و جالب بسیاری از مشکلات اساسی جامعه ایران (در عرصه سیاست، اجتماع و فرهنگ) و رهنمودها و راهکارهای ارائه شده از سوی ملکم خان (از جمله مجلس شورای ملی و ...) در “قانون”، تأثیر به‌سزا و مهمی در انقلاب مشروطه و در حیطه موضوع این مقاله، بر مطبوعات دوره مشروطه حتی تا سالیان پس از آن داشت.

ارزش و اهمیت “قانون” و مندرجات ضد دولتی آن به گونه‌ای بود که پس از پیروزی انقلاب مشروطه ۲۳ شماره از آن مجدداً تجدید چاپ شد و از این جهت “قانون” را احتمالاً می‌توان به عنوان اولین نشریه تجدید چاپی در ایران به شمار آورد. به‌نظر می‌رسد وجه ضد دولتی قانون، الهام‌بخش اصلی بسیاری از نشریات تندروی صدر مشروطیت و حتی دهه‌های پس از آن بوده باشد.

سوم: اما یکی از وجوه تأثیرگذار “قانون” بر مطبوعات پس از خود که قانون را نیز باید مبدع آن شمرد، فحاشی‌های عجیب و غریب موجود در آن است. تا قبل از آن، در هیچ یک از روزنامه‌ها و مجلات ایران و ایرانیان در خارج از کشور، گرایش در به‌کار بردن کلمات رکیک وجود نداشت در این زمینه “قانون” یک نقطه شروع و با توجه به مطبوعات پس از آن تاکنون یکی از قله‌های فحاشی در نشریات به شمار می‌رود. مروری بر نمونه‌های فحاشی‌های مندرج در “قانون” خواننده را با فضای آن آشنا خواهد کرد.

در شماره اول قانون وزراء ایران، “وزرای بی‌ناموس” خوانده می‌شود. در شماره سوم از جمله فحش، “حیوانات کوچه‌ها” است. او در شماره ۱۰، از زبان یک صاحب منصب می‌نویسد: “هیچ رذلی نماند که بر من بی‌عار سوار نکرده باشند. “لاشخورهای کتاسه” و “لاشخورهای سفید” از جمله این گونه فحاشی‌ها در ۲۰ شماره اول “قانون” هستند.

البته در طی آن شماره‌ها به دلیل حضور افرادی هم‌چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا آقاخان کرمانی روند فحاشی‌ها در برخی از شماره‌ها به شدت کاهش یافته و نشر "قانون" مؤدبانه‌تر و روان‌تر می‌شود (از جمله شماره‌ها نمره ذی‌الحجه) و به همین سبب اعتماد السلطنه که شماره‌های اول "قانون" را فحاش نامیده بود، شماره‌های بعدی آن را معتدل قلمداد کرد و البته یادآور می‌شود که این کار ملکم نیست.

در ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۸ ق آقاخان کرمانی ضمن درخواست از ملکم در مورد عدم نگارش بعضی عبارات مستهجن به او تذکر می‌دهد "هدف آن نشریه، پیش از شعار دادن و فحاشی کردن باید آگاهی بخش باشد" احتمالاً کم شدن ارتباط افرادی هم‌چون آقاخان با ملکم خان بار دیگر وی را به سوی فحاشی در "قانون" می‌کشاند. در شماره بیست و سوم اواز "لاشخورهای ما، سرکار لاشخور و ... یاد می‌کند. در شماره ۲۷، در ذیل عنوان "تهران مام" می‌نویسد: "کسی که آن قدردنی باشد در سلسله آدمیت چه کار دارد. در حضور پادشاه این نوع تعلقات دلیل منتهای بی‌ناموسی است. نه او را و نه این دو نفر لاشخورهای دیگر را ابداً نگذارید نزدیک این دایره مقدس بیایند."

چهارم: اما یکی دیگر از آموزه‌های سترگ "قانون" برای مطبوعات پس از خود، "تاریک‌انگاری" نسبت به وقایع پیرامونی است مقصود از "تاریک‌نگاری" نفی دستاوردهای مثبت طبقات مختلف جامعه، حکومت، دولت و ... و نسبت دادن انواع تیرگی و تلخی‌ها به آنها است.

چنین روشی به طور کاملاً آگاهانه و منظم از سوی ملکم خان در خلال مقالات و نامه‌ها "قانون" اعمال می‌شد به یاد بیاوریم. نامه ملکم خان به امین‌السلطان در ذی‌القعدة ۱۳۰۷ قمری را، آن‌جا که به خطاب کرده و می‌گوید: "به جان عزیز شما که شما را ول نخواهم کرد همان‌طور که شما آخر عمر مرا سیاه کردید اول ترقیات شما را زیر و زبر خواهم کرد" به معنای نادیده گرفتن جلوه مثبت و ترقیات ایران در آن زمان است. این فرایند را که در این نوشتار "تاریک‌انگاری" نام نهادیم. به وضوح می‌توان مشاهده کرد. در صفحه اول از شماره اول می‌خوانیم "هیچ‌کس در ایران مالک هیچ‌چیز نیست" در شماره دوم دایره تاریکی به کل ایران، شهرها و مردم گسترده‌تر می‌شود.

علاوه بر مقالات، محور اصلی نوشته‌هایی که تحت عنوان "نامه رسیده" در "قانون"



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

• میرزا ملکم خان در ایام جوانی

چاپ می‌شد نیز تاریخ ساختن و تاریخ انگاری وضعیت ایران است.

به همین ترتیب در شماره‌های بعدی "قانون" مطالبی در مورد نفی مدنیت، حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اقتصادی و همه و همه، آنچه که در ایران آن زمان وجود داشت، چاپ می‌شد. در نمره ۲۴ که احتمالاً متعلق به اواسط دوره چاپ قانون است می‌خوانیم: "نمره ۲۵ ص ۳".

بدین ترتیب فحاشی مقدمه‌ای برای دست‌یابی به یک هدف مهم‌تر یعنی تاریخ انگاری می‌شود این مقوله میراث جاویدانی از ملکم برای مطبوعات ایرانی و حتی بسیاری از تاریخ‌نگاران ایرانی شد. در دهه‌های بعدی در اغلب موارد که مقاله‌ای در مورد تاریخ ایران دوره ناصری در جراید و مطبوعات چاپ می‌شد و یا در بسیاری از کتب تاریخی که در مورد آن دوره و همچنین ادوار بعدی نسبت به کتاب قبلی نوشته می‌شد، همه چیز سیاه، زشت، تاریک و بی‌سروسامان وانمود می‌شود. دوره ناصری جز چوب و فلک و بدبختی و طاعون و بیماری و استبداد مطلق و امثالهم نیست. بی‌قانونی، بی‌قانونی و بی‌قانونی مطلق. در صورتی که حتی قبایل آدم‌خوار نیز دارای قانون مختص به خود بودند. حتی تئوری‌هایی نیز که در رابطه با ساختار سیاسی مطبوعاتی آن دوره ارائه می‌شود در اغلب موارد بر محوریت استبداد مطلق، فقر و سانسور، شکنجه و ... استوار بود. انگار نه انگار که حتی در مورد "قانون" هم تاکنون گزارشی از اعمال تضيیقات علیه آن در فاصله بین شماره‌های اول تا هفتم آن در ایران "در رمضان ۱۳۰۷ ق تا حدود جمادی الثانی ۱۳۰۸ قمری" وجود ندارد.

این نگرش میراثی جاویدان از ملکم خان برای مطبوعات و حتی بسیاری از محققین و پژوهشگران و تاریخ‌نگاران ایرانی بود.

نتیجه‌گیری نهایی

سؤال اولیه مقاله را دوباره تکرار می‌کنیم. آیا "قانون" یک روزنامه است؟ پس از بررسی‌های انجام شده که چکیده آن‌ها در صفحات قبل ملاحظه شد، مشخص می‌شود "قانون"، فاقد ویژگی‌ها و خصلت‌هایی است که بتوان با عنایت به آن‌ها، بر آن نام روزنامه نهاد. توجه اصلی نگارنده به شماره‌های اولیه (اول تا هشتم) "قانون" است و گرچه از

شماره نهم به بعد که ملکم خان نیز هیچ‌گاه به "قانون"، روزنامه اطلاق نکرد. در این‌که او می‌خواست و یا حداقل مدعی بود که در صدد انتشار یک روزنامه است، شکی نیست. ولی به دو دلیل اساسی از همان شماره اول "قانون" ملکم خان در دستیابی به هدف خود بازماند.

نخستین دلیل فقدان سواد کافی روزنامه‌نگاری در نزد ملکم خان است. ملکم اندیشمند، دنیا دیده و سیاستمداری بلندپایه بود ولی این صفحات مثبت هیچ‌گاه دلیل نمی‌شود که او یک روزنامه نگار هم باشد. طرفداران ایده روزنامه‌نگار بودن ملکم خان، هیچ دلیل متقنی بر فعالیت وی در یک روزنامه یا مجله (در داخل و خارج از ایران) ارائه نمی‌دهند. به همین دلیل ملکم خان به محض گرفتن قلم به دستانش، تبدیل به ملکم نویسنده رسالات، نویسنده مقالات بلند در اندیشه سیاسی می‌شود و نه یک روزنامه‌نگار. او به محض یافتن فرصتی، در صدد انتقام‌جویی از ظل‌السلطان و نیز حفظ ارتباطاتش با اعضاء محافل ماسونری برمی‌آید، و نه در صدد انتشار یک روزنامه به معنای متعارف آن و بدین ترتیب دومین عامل مهمی که مانع فعالیت او در جهت به وجود آوردن یک روزنامه می‌شد، نمایان می‌گشت. ملکم یک کینه‌جویی بود که همراه با ارضاء خود در صدد طرح مسائل و موضوعاتی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران، برآمده بود. ملکم یک ماسون بود که علاقه‌اش به حفظ ارتباطات با اعضاء آن محفل، حتی اگر در حد شعار و بلوف هم بوده باشد، مانع از هرگونه توجهی از سوی او به امور روزنامه‌نگاری می‌شد.

قانون برای ملکم یک وسیله بود، وسیله‌ای برای ارضاء حس کینه‌جویی، برای ارضاء حس شهرت‌طلبی یک سیاستمدار کهنه‌کار و برای ارضاء حسن خود نمایی او به عنوان رهبر یک محفل قدرتمند سیاسی پنهانی.

بدین ترتیب است که علیرغم خواست ملکم، او نمی‌توانست و نتوانست یک روزنامه به معنای متعارف آن منتشر سازد. شماره اول "قانون" دارای امکانات بالقوه‌ای بود که در صورت تداوم آن امکانات، قانون به یک روزنامه تبدیل می‌شد. نه در شماره اول و نه در هفت شماره بعد، "قانون" هیچ به معیارهای متعارف روزنامه‌نگاری نزدیک نشد، و بالعکس از همان شماره اول، به تدریج از اندک کور سویی در "قانون" که نقطه امید برای

پیدایش یک روزنامه بود، به تدریج دور، دور و دورتر شد، تا این که از شماره نهم به بعد که دیگر حتی ملکم نیز ادعای روزنامه‌ای بودن قانون را به کنار می‌گذارد.

در سال ۱۳۰۷ قمری، حدود ۵۵ سال از شروع روزنامه‌نگاری در ایران و افزون بر ۸۰ سال از روزنامه‌نگاری به زبان فارسی در خارج از ایران می‌گذشت. طی این مدت "روزنامه" ویژگی‌ها و کارکترهای خاص خود را پیدا کرده بود. درست که در آن زمان به گزارشاتی که از شهرستان‌ها به تهران می‌رسید عنوان "روزنامه فارسی" و ... می‌دادند، ولی نه آن گزارشات، روزنامه ادواری با هدف اطلاع رسانی بودند و نه سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به مشهد و یا دیگر مقامات درباری به نقاط مختلف که به دلیل همراه بودن چاپخانه سیار، به خودشان عنوان روزنامه می‌دادند، را در چارچوب "روزنامه نگاری متعارف" می‌توان قرار داد. روزنامه‌نگاری در ایران سال ۱۳۰۶ قمری به گونه‌ای پیشرفت کرده بود که کارکتر و ساختار خاصی را در اذهان ایجاد کرد. به کمک ویژگی‌های مذکور است که ما می‌توانیم روزنامه‌های "وقایع اتفاقیه" و یا "ایران" را مورد ارزیابی قرار دهیم، آن‌ها را در بوته نقد گذارده و عیارشان را مشخص کنیم. در حالی که نه روزنامه سفری آن درباری را می‌توانیم با چنین عیاری بسنجیم و نه "قانون" ملکم خان را. که آن اولی را می‌باید نخستین گونه خبرنگارانه در ایران نام نهاد و دومی را نخستین گونه از نشریه درون گروهی. بگذریم از این که پس از گذشت حدود ۱۲۰ سال از آن زمان، هنوز هم در فهرست‌هایی که تحت عنوان "فهرست روزنامه‌ها و مجله‌ها" در ایران منتشر می‌شوند، انواع و اقسام بولتن‌ها، خبرنگارانه‌ها و حتی خبرنگارانه‌های فلان غرفه در جشنواره مطبوعات را نیز در فهرست فوق جای می‌دهند. در چنین حالتی و با چنین روشی، بدون شک "قانون" روزنامه است و روزنامه بلندپایه هم می‌باشد، ولی از نظر معیارهای عقلانی و متعارف، "قانون" تنها یک تعداد الواح است، الواحی که در بهترین حالت، از آن‌ها می‌توان با عنوان نشریه درون گروهی یاد کرد. ■

منابع:

- ۱ - محمد محیط طباطبایی، مجموعه آثار میرزا ملکم خان، تهران: انتشارات علمی [بی تا] صص الف - ب
- ۲ - همان، ص و.
- ۳ - همان، ص ز.
- ۴ - اسماعیل رایین، میرزا ملکم خان، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی علی شاه، ۱۳۵۳، صص ۱۷ و ۱۶.
- ۵ - مجموعه آثار میرزا ملکم خان، ص ح.
- ۶ - همان، ص ط.
- ۷ - در مورد فعالیت ماسونری ملکم خان، ک: حامد الگار، دین و دولت در ایران، نقش علماء در دوره قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات طوس، ۱۳۶۹، صص ۲۸۲-۲۸۰.
- ۸ - حامد الگار، درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران. مترجم یعقوب آزنند. تهران: نشر گستر، ۱۳۶۰، صص ۳۶۵۰.
- ۹ - مجموعه آثار میرزا ملکم خان، صص ط - ی.
- ۹ - همان، ص یا.
- ۱۰ - اسماعیل رایین، همان، صص ۹۲-۹۰.
- ۱۱ - متن امتیاز نامه در: همان، صص ۹۷-۹۳.
- ۱۲ - مجموعه آثار میرزا ملکم خان، ص لد.
- ۱۳ - فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۴۰، ص ۱۰۸.
- ۱۴ - اسماعیل رایین، همان، ص ۹۷.
- ۱۵ - فریدون آدمیت، همان.
- ۱۶ - ناصرالدین پروین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج اول: پیدایش. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، صص ۲۷۰-۲۶۹.
- ۱۷ - اسماعیل رایین، همان، صص ۱۰۳-۱۰۲.
- ۱۸ - ناصرالدین پروین، همان، ص ۲۰۷.
- ۱۹ - ناصرالدین پروین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج دوم: بحران آزادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹، صص ۶۳۷-۶۳۶.
- ۲۰ - مجموعه آثار میرزا ملکم خان، ص یز.
- ۲۱ - ناصرالدین پروین، همان، ج اول، همان.

۲۲- برای آشنایی بیشتر با آثار ملکم خان، ن ک:

- فریدون آدمیت، همان، صص ۹۵-۱۵۰.

- فرشته نورانی، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲.

۲۳- حجت‌الله اصیل، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله ونظریه پردازی مدرنیته ایرانی. تهران: کویر، ۱۳۸۴.

ص ۱۴۰.

۲۴- فرشته نورانی، همان، ص ۱۸۶.

۲۵- قانون، نمره اول، غره رجب ۱۳۰۷ [قمری]، ص ۱.

۲۶- همان، نمره دوم، غره شیعان ۱۳۰۷ [قمری]، ص ۴.

۲۷- همان، نمره سوم، رمضان ۱۳۰۷ [قمری]، ص ۳.

۲۸- همان، نمره چهارم، غره شوال ۱۳۰۷ [قمری]، صص ۱ و ۲.

۲۹- همان، نمره هفتم، [بی‌تا]، ص ۲.

۳۰- همان، ص ۱.

۳۱- همان، نمره هشتم، [بی‌تا]، ص ۲.

۳۲- همان، نمره ۱۱، [بی‌تا]، ص ۲.

۳۳- او حتی در نامه‌ای که در سال ۱۸۹۲ به امین‌السلطان نوشته او را تهدید کرد که در صورتی که بعضی

تقاضاهای وی انجام نشود، مدارک رسواکننده‌ای را در "قانون" انتشار خواهد داد. ر. ک: حامد الگار، میرزا ملکم

خان، ترجمه جهانگیر عظیمیا، تهران: انتشارات مدرس، بهار ۱۳۶۹، ص ۲۰۵.

۳۴- نمره اول، ص ۴.

۳۵- نمره نهم، [بی‌تا]، ص ۴. هم‌چنین ن. ک: ناصرالدین پروین، همان، ج اول، ص ۲۷۴.

۳۶- حامد الگار، همان، ص ۲۰۹.

۳۷- همان، صص ۲۱۱-۲۱۳.

۳۸- همان، ص ۲۱۰.

۳۹- همان، صص ۲۱۱-۲۱۰.

۴۰- فرشته نورانی، ص ۲۰۶.

۴۱- ناصرالدین پروین، همان، ج اول، ص ۲۷۱.

هم‌چنین ن. ک: خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار. تهران: انتشارات هدایت، [بی‌تا]، ص ۱۳۴.

۴۲- قانون، نمره ۲۰، [بی‌تا]، ص ۳.

۴۳- همان، نمره ۱۰، [بی‌تا]، ص ۳.

۴۴- حامد الگار در مورد تغییر محل دفتر قانون چنین ادعایی کرده است. ر. ک:

حامد الگار، میرزا ملکم خان، صص ۲۰۲-۲۰۳.

۴۵- البته در مورد چاپ "قانون" ناصرالدین پروین معتقد است با توجه به هم شکلی حروف چاپ شده در

تمامی شماره‌های "قانون"، چاپ آن تا آخرین شماره در چاپخانه شرقی لندن انجام می‌شده است. (ر. ک: ناصرالدین

پروین، همان، ج ۲، ص ۷۵۲).

۴۶- همان، نمره ۱۱، [بی‌تا]، ص ۲.

۴۷- همان، نمره ۱۳، [بی‌تا]، ص ۳. برای این‌که معنای "الواح" و فرق آن با "روزنامه" را در آن زمان درک

کنیم بد نیست اشاره‌ای به فعالیت‌های میرزا آقاخان کرمانی داشته باشیم. خانم هما ناطق در مقدمه‌ای که بر "نامه‌های

میرزا آقاخان کرمانی نوشته است، در رابطه با فعالیت‌های آقاخان چنین می‌نویسد: "قلم میرزا آقاخان را در برخی

شب‌نامه‌ها که علیه علماء و ناصرالدین شاه به در و دیوار شهر تهران زدند و در بیشتر تواریخ مشروطیت آمده، باز

می‌توان شناخت. خود او هم به این نکته اشاره دارد. از این قبیل که فلان "را" در دهات ایران اعزام نمودم با الواح

بسیار." (میرزا آقاخان کرمانی، نامه‌های تبعید. به کوشش هما ناطق. کلن: افق، پاییز، ۱۳۶۸، ص ۳۳).

۴۸- "قانون"، نمره ۲۰، [بی‌تا]، ص ۴.

۴۹- همان، نمره ۳۸، [بی‌تا]، ص ۴.

۵۰- ناصرالدین پروین، همان، ج اول، ص ۲۷۸.

۵۱- اسناد نویافته، به کوشش ابراهیم صفایی، چاپ دوم، [بی‌تا، بی‌نا، بی‌جا]، صص ۱۳۵-۱۳۴.

۵۲- حجت الله اصیل، میرزا ملکم خان، صص ۱۵۰-۱۴۸.

۵۳- فرشته نورائی، همان، صص ۱۸۵-۱۸۶.

۵۴- از جمله: اسماعیل رایین، میرزا ملکم خان، صص ۱۱۹-۱۱۷.

۵۵- حامد الگار، همان، ص ۱۹۷.

۵۶- قانون، نمره اول، غره رجب ۱۳۰۷ قمری، ص ۶.

۵۷- خاطرات سیاسی امین‌الدوله، صص ۱۴۰-۱۳۹.

۵۸- حامد الگار، همان، صص ۲۰۱-۱۹۶.

۵۹- فریدون آدمیت، همان، ص ۱۱۰.

۶۰- قانون، نمره اول، ص ۶.

۶۱- میرزا ملکم خان، روزنامه قانون. به کوشش و با مقدمه هما ناطق. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر،

۱۳۵۵.

- در مجموعه مورد رجوع نگارنده به جای شماره‌های ۳۰ تا بعد، یک حجت‌نامه چهار صفحه‌ای با همان کیفیت حروف و صفحه آرایشی شماره‌های قبلی و بعدی، وجود دارد. در این رابطه ناصرالدین پروین می‌گوید: "از قانون دست‌کم ۴۱ شماره چاپ شد. شماره‌های ۱۲-۱۳-۳۲-۳۳ به دست نیامده‌اند و دور نیست که برخی از مقاله‌های جداگانه‌ای که ملکم در لندن نوشته و بدون عنوان قانون و به همان قطع و حروف چاپ کرده و نمونه‌های رسالت در دست است، به جای این چهار شماره کسری انتشار یافته است. (ناصرالدین پروین، همان، ج ۱، ص ۲۷۴).

۶۲- همان، ص ۲۷۳.

۶۳- فریدون آدمیت، همان، ص ۲۵.

۶۴- قانون، نمره ۳۴، [بی‌تا]، ص ۱.

۶۵- ناصرالدین پروین، همان، ج ۲، ص ۴۵۷.

۶۶- محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، اصفهان: کمال، ۱۳۶۴، ص ۱۰۱.

۶۷- ناصرالدین پروین، همان، ج اول، ص ۲۷۴.

۶۸- برای شناخت مجموعه‌های تجدید چاپ شده مذکور ر. ک:

- استاد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران. تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۶، ص ۸۰.

۶۹- قانون، نمره اول، اول رجب ۱۳۰۷ ق، صص ۲ و ۳.

۷۰- همان، ص ۸.

۷۱- ناصرالدین پروین، همان، ج اول، ص ۲۷۰.

۷۲- در این رابطه حامد الگار می‌نویسد: آنچه محقق می‌باشد این است که هر کلمه قانون نوشته خود ملکم

بوده و تقاضا برای استخدام همکار نمی‌توانسته است جدی باشد. (ر. ک: حامد الگار، میرزا ملکم خان، ص ۲۰۲).

۷۳- میرزا آقاخان کرمانی، نامه‌های تبعید، صص ۲۷-۲۵.

۷۴- قانون، نمره ۸، [بی‌تا]، ص ۴.

۷۵- از جمله در: همان، ص ۲.

۷۶- همان، نمره ۱۰، [بی‌تا]، ص ۱.

۷۷- حجت‌الله اصیل، همان، ص ۱۵۸.

۷۸- مجموعه آثار میرزا ملکم خان، ص یو.

۷۹- فرشته نورائی، همان، ص ۱۸۷.

۸۰- حامد الگار، میرزا ملکم خان، ص ۲۱۴.

۸۱- از جمله در شماره‌های ۷ و ۸ و ۹ "قانون".

- ۸۲- جمشید ملک‌پور، ادبیات نمایش در ایران، ج اول، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۳، صص ۱۱۶-۱۱۴.
- ۸۳- ناصرالدین پروین، همان، ج اول، ص ۲۷۵.
- ۸۴- میرزا آقاخان کرمانی، ص ۲۹.
- ۸۵- ناصرالدین پروین، همان.
- ۸۶- فرشته نورایی، همان، صص ۲۱۵-۲۱۴.
- ۸۷- حجت‌الله اصیل، همان، ص ۲۷۰.
- ۸۸- اسماعیل رایین، همان، ص ۱۱۱.
- ۸۹- حجت‌الله اصیل، همان، ص ۲۷۷.
- ۹۰- ناصرالدین پروین، همان، ص ۲۷۷.
- ۹۱- حجت‌الله اصیل، زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان ناظم الدوله، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶، صص ۴۵-۴۴.
- ۹۲- ناصرالدین پروین، همان، ج اول، ص ۲۷۴.
- ۹۳- میرزا آقاخان کرمانی، ص ۲۷.
- ۹۴- همان، ص ۲۸.
- ۹۵- فرشته نورائی، صص ۲۱۴-۲۱۲.
- ۹۶- حامد الگار، میرزا ملکم خان، ص ۲۰۹.
- ۹۷- استاد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۷۹.
- ۹۸- قانون، نمره ۱۴، [بی‌تا]، ص ۲.
- ۹۹- گزارش مفصل آن را می‌توان در منابع ذیل یافت:
- فرشته نورایی، همان، صص ۲۱۹-۲۱۶.
- خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان. زیر نظر ایرج افشار، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰، صص ۱۴۷-۱۴۰.
- ۱۰۰- حامد الگار، همان، ص ۲۱۳.
- ۱۰۱- خاطرات حاج سیاح. به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر، [بی‌تا]، صص ۳۶۰-۳۴۳.
- ۱۰۲- حامد الگار، همان، ص ۲۱۲.
- ۱۰۳- استاد دادگاه‌ها و هیأت‌های منصفه مطبوعاتی. به کوشش و مقدمه مسعود کوهستانی نژاد. تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها، ۱۳۸۱.
- ۱۰۴- استاد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات، صص ۱۳۲-۱۲۷.
- ۱۰۵- حجت‌اله اصیل، میرزا ملکم خان، ص ۱۴۴.

۱۰۶- همان، ص ۱۳۹.

۱۰۷- همان، ص ۱۰۴.

۱۰۸- قانون، نمره ۴، غره شوال ۱۳۰۷ قمری، ص ۱.

۱۰۹- سید فرید قاسمی، مشاهیر مطبوعات، اعتماد السلطنه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، صص ۱۷۶-۱۷۴.

۱۱۰- قانون، نمره ۱۳، [بی تا]، صص ۱ و ۲.

۱۱۱- قانون، نمره ۱۳، [بی تا]، صص ۱.

۱۱۲- از جمله: همان، نمره ۲۰، [بی تا]، ص ۱.

۱۱۳- حامد الگار، میرزا ملکم خان، صص ۱۹۶-۱۹۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی